

به نام پروردگار مکی

تلائم نظر و عمل در تلقی از علوم انسانی به مثابه فرونیسی

از مجموعه پروژه‌های «طرح جامع اعتلای علوم انسانی»

مهدی معین‌زاده



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۳۹۹



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قری و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۸۳۱۷۱۹۲

تلائم نظر و عمل در تلقی از علوم انسانی به مثابه فرونیسیس

مؤلف: مهدی معین‌زاده

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

ویراستار: سیاوش صفری

صفحه‌آرا: جابر شیخ محمدی

مسئول فنی: عرفان بهار دوست

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سفیر اردهال

قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: معین‌زاده، مهدی، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور: تلایم نظر و عمل در تلقی از علوم انسانی به مثابه فرونیسیس/مهدی

معین‌زاده؛ ویراستار سیاوش صفری.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۳۲۸ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: 978-622-6304-79-5

وضعیت فهرست نویسی: فیبا، وضعیت رکورد: فیبا

موضوع: فلسفه یونانی -- متون قدیمی تا ۱۸۰۰ م.

موضوع: *Philosophy, Greek -- Early works to 1800

موضوع: ارسطو، ۳۸۴ - ۳۲۲ ق.م. -- نقد و تفسیر

موضوع: Aristotle -- Criticism and interpretation

موضوع: هایدگر، مارتین، ۱۸۸۹ - ۱۹۷۶ م. -- نقد و تفسیر

موضوع: Heidegger, Martin -- Criticism and interpretation

موضوع: گادامر، هانس-گئورگ، ۱۹۰۰ - ۲۰۰۲ م. -- نقد و تفسیر

موضوع: Gadamer, Hans-Georg -- Criticism and interpretation

موضوع: اخلاق - فلسفه، موضوع: Ethics -- Philosophy

موضوع: فلسفه آلمانی -- قرن ۲۰ م. -- تاریخ و نقد.

موضوع: Philosophy, German -- 20th century -- History and criticism

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: B۱۷۷

رده بندی دیویی: ۱۸۰

شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۰۳۱۱۱

فهرست

.....	سخن پژوهشگاه	۵
.....	علام اختصاری	۱۱
.....	مقدمه	۱۳

فصل اول: مفهوم فرونیسیس نزد ارسطو

.....	مقدمه	۱۷
.....	فرونیسیس از منظر ارسطو	۲۶
.....	تعلق ذاتی نظر و عمل به یکدیگر ضمن و ذیل مفهوم فرونیسیس	۳۷
.....	صورت‌بندی شفاف‌تر تناقض ظاهری آرای ارسطو درباره متعلق تأمل‌بودن	
.....	غایات یا وسائط	۴۱
.....	تلاش جهت رفع تناقض ظاهری آرای ارسطو درباره متعلق تأمل‌بودن غایات یا	
.....	وسائط به مدد بصیرتی‌هایدگری	۵۱
.....	تلاش در جهت رفع تنش بین نظر و عمل در فرونیسیس با توجه به مفهوم	
.....	ارگانیسم	۵۸
.....	رشد ارگانیسم	۶۲
.....	ساختار خاص حقیقت متعلق فرونیسیس	۶۸
.....	نقش سوفیست‌ها در تلقی ارسطو از فرونیسیس به مثابه فضیلتی عقلانی	۹۰
.....	فرونیسیس و سوفروسیس	۱۰۷
.....	بیان هم‌سرچشمگی رتوریک و فرونیسیس از طریق ابتدای آن‌ها بر مفهوم حد	
.....	وسط (سوفروسیس) و مآلاً کایروس	۱۱۵
.....	هارمونی	۱۱۶
.....	درباره مفهوم کایروس	۱۱۹

۴ تلائم نظر و عمل در تلقی از ...

ابتنای دو مؤلفه مفهومی هارمونی (وحدت در کثرت و تناسب) بر مفهوم	
کایروس	۱۳۰
حد و محدودیت	۱۴۱
ابتنای فرونیسیس و علوم انسانی بر مبنای مشترک کایروس	۱۵۰
نتیجه فصل	۱۶۱

فصل دوم: آزادسازی نیروی نهفته در فرونیسیس توسط هایدگر

مقدمه	۱۶۳
حیات به مثابه یگانه موضوع فلسفه و درس گفتار مفاهیم/اساسی فلسفه باستان	۱۸۷
فرونیسیس در درس گفتار سوفیست/افلاطون	۲۰۸
زمان، مرگ و مصممیت در درس گفتار تاریخ مفهوم زمان	۲۱۶
فرونیسیس در وجود و زمان	۲۱۹
کایروس به مثابه بنیاد تفسیر هایدگر از مفهوم فرونیسیس ارسطو	۲۳۴
کایروس و لحظات کایرولوژیک حیات (کایروس فرونتیک)	۲۳۸
کایروس فرونتیک و علوم انسانی	۲۴۲
نسبت رخداد فهم و علوم انسانی	۲۴۷

فصل سوم: ابتنای علوم انسانی بر فرونیسیس از منظر گادامر

فرونیسیس به معنای تطبیق اصول کلی بر موارد جزئی	۲۴۹
اخلاقی بودن علوم انسانی: غیرقانون بنیادبودن آن	۲۵۰
تاریخ تأثیر و علم انسانی	۲۵۱
مسئله کاربرد به مثابه بنیان علوم انسانی	۲۶۹
تمایز ماهوی علوم انسانی و بنیاد گرفتن آن برپایه حکمت عملی	۲۹۱
تمایز معرفت فنی و اخلاقی	۲۹۶
نتیجه گیری	۳۰۱
منابع	۳۱۷

سخن پژوهشگاه

کتاب حاضر یکی از آثار برگرفته از طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور است که اکنون به محضر ارباب معرفت تقدیم می‌گردد.

طرح جامع اعتلا مجموعه پروژه‌هایی به هم پیوسته و مسئله‌محور است که بر مبنای منشور پژوهشگاه در سال‌های اخیر مبنی بر درپیش گرفتن رهیافت بومی و کاربردی‌سازی علوم انسانی شکل گرفته و بر پایه خردجمعی و تعاطی افکار خبرگان، نخست طی یک سال و نیم، از گذرگاه انجام فاز مطالعاتی و تدوین RFP عبور کرده سپس وارد اجرای طرح‌ها شده است.

این طرح کلان برپایه این منطق شکل گرفت که برای بومی‌سازی و کاربردی‌سازی علوم انسانی لازم است سه مقوله مهم به صورت متمایز کاویده شوند و نهایتاً از همه طرح‌ها تلفیق صورت گیرد.

۱. مبانی و ریشه‌های علوم انسانی جدید ارزیابی و نقد شوند. (کارگروه مبانی)

۲. قلمرو و فرایند شکل‌گیری و سیر تاریخ ورود و استقرار این رشته‌ها در ایران نظر افکنده شود و نقد گردد. (کارگروه بازشناسی انتقادی و تاریخ)

۳. شیوه‌ها و مظاهر کاربست آن‌ها و تعامل این رشته‌ها با جامعه ایران در چرخه ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. (کارگروه کاربست)

از گذرگاه این کندوکاوها، اتصال یا عدم پیوند آن با گنجینه‌های میراثی و تناسب یا تغایر احتمالی آن‌ها نسبت به نیازهای جامعه امروز روشن می‌شود. از سوی دیگر، این طرح‌ها با تکیه بر میراث‌های فرهنگ بومی و دینی و با پشتوانه بهره‌گیری از مطالعات جهانی و ملی و به صورت شبکه برنامه محصول‌گرا و هم‌افزایانه شکل یافته‌اند و با رویکرد بین‌رشته‌ای و با مشارکت محققان توانای پژوهشگاه و صاحب‌نظران سرآمد سطح ملی تدوین شده‌اند.

امید می‌رود با انجام این طرح‌ها یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مبنی بر استقلال فکری و رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری در این باره پی‌جویی شود. طرح‌های اعتلا برای تحقق هدف یادشده با رویکرد ایجاد پیوند میان نظریه و عمل، می‌کوشد تا اثربخشی و سودمندی علوم انسانی را معطوف به پیشرفت کشور مبنی بر مؤلفه‌های بومی‌گرایی متعین نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مسیر تحقق بخش‌هایی از اسناد بالادستی و پی‌جویی مأموریت ویژه هیئت‌امنا و با مساعدت سازمان برنامه و بودجه، طرح اعتلا را برای استقرار عینی شبکه نخبگانی علوم انسانی کشور طراحی کرده و به اجرا درآورده است.

پژوهشگاه به فضل الهی در نظر دارد به تدریج پس از انتشار مجلدات حاضر در این مرحله و هم‌زمان با متنوع‌سازی نشر محصولات طرح‌ها (از طریق گزارش‌های راهبردی، توصیه‌های سیاسی، گزارش‌های علمی ملی، بسته‌های خدمات تخصصی و مشاوره‌ای، جستارهای علمی و فنی، مقاله‌های علمی - پژوهشی، علمی - تخصصی، هم‌اندیشی‌های نخبگانی و سخنرانی‌های علمی و...) مابقی نتایج پژوهش‌ها را نیز به صورت کتاب آماده نشر سازد.

سخن پژوهشگاه ۷

اصولاً یکی از شاخص‌های مهم که می‌تواند نشانه توفیق یک نهاد پژوهشی، به‌ویژه در قلمرو علوم انسانی باشد، اجرای طرح‌های شاخص، هم‌گرا، مسئله‌مند و ناظر به چالش‌های اجتماعی و اثرگذار در عرصه سیاست‌گذاری‌هاست که بتواند در شرایط کنونی در حقیقت مؤسسه پژوهشی را به جرگه نسل چهارم نهادهای علمی وارد سازد. تعریف و اجرای طرح اعتلا به همین منظور در مسیر تحقق قسمتی از چشم‌انداز و مأموریت روشن پژوهشگاه، مندرج در برنامه توسعه راهبردی آن، به‌شمار می‌آید که برای نخستین بار در تاریخ پژوهشگاه برنامه توسعه تعریف و اجرا شده است و بخشی از دستاوردهای آن کتاب‌های مجموعه طرح‌های اعتلای علوم انسانی است.

در فرایند تعریف و اجرای طرح جامع اعتلا، به لطف الهی، فرصت ارتقای کیفیت علمی طرح‌ها و توانمندسازی و تقویت زیرساخت‌ها در پژوهشگاه دوچندان شده است، چنان‌که طی این سال‌ها و به موازات اجرای این طرح کلان، مشارکت بالنده تعداد کثیری از اعضای محترم هیئت علمی در اجرای طرح مذکور و رسیدن تولید سرانه علم به رشد بیش از دو برابری و رشد بیش از پنج برابری نقد متون دانشگاهی و رشد فزاینده تولید و نشر مقالات و جستارهای انتقادی و انتشار فصل‌نامه‌های با کیفیت پژوهشی، برنده شدن سه سال پیاپی در جشنواره نقد سال و برگزیده شدن مکرر در جشنواره بین‌المللی فارابی و ده‌ها جشنواره ملی دیگر، صعود بیش از چهارصد پله‌ای پرتال در رده‌بندی جهانی ال‌کسا، تأسیس قطب علمی، ارائه نظریه علوم انسانی در سطح ملی و رشد چشمگیر فعالیت‌های حوزه ترویجی‌سازی علم و تحقق شبکه نخبگانی سه‌هزار نفره متشکل از استادان صاحب‌نظر از سراسر کشور، شواهدی از این ظرفیت‌سازی و ارتقای توانمندی به‌شمار می‌آید.

بدیهی است با همهٔ مزیت‌های این مجموعه طرح‌ها و آثار، بخش‌هایی از این کتاب‌ها خالی از خلل و عاری از کاستی نباشد، یقیناً اهل نظر با نقد ناصحانه و راهنمایی‌های راهگشای ایجابی خود پژوهشگاه را برای قوام و مایه‌وری بیشتر این آثار در چاپ‌های بعدی مدد خواهند رساند.

در پایان، ضمن سپاسگزاری به درگاه حق تعالی و ابراز مسرت از پی‌جویی دغدغهٔ استاد زنده‌یاد دکتر صادق آیینه‌وند (ره) در منشور ایشان مبنی بر «اتصال به ریشهٔ انطباق با زمان» یادآور می‌شود این مجموعه مرهون حمایت وزیران محترم جناب دکتر فرجی‌دانا، دکتر فرهادی و دکتر غلامی و اعضای محترم هیئت محترم امانا و سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان محترم ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی از یک‌سو و اهتمام همهٔ همکاران طرح جامع اعتلا، شامل اعضای محترم شورای پژوهشی پژوهشگاه، کمیتهٔ علمی طرح اعتلا، جانشین رئیس و رئیس دبیرخانهٔ طرح اعتلا، مجریان محترم طرح‌ها، مدیران کارگروه‌ها، شورای مشاوران، اعضای محترم کارگروه‌های تخصصی و کلیهٔ محققان و ناظران علمی و داوران طرح‌های پژوهشی و کارشناسان از سوی دیگر است. لذا سزاوار به‌نظر می‌رسد سپاسگزار همهٔ آنان باشیم؛ به‌ویژه جناب آقای دکتر سیدمحمدرضا امیری طهرانی‌زاده، سرکار خانم دکتر طاهره کمالی‌زاده، جناب آقای دکتر یحیی فوزی، جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی، جناب آقای دکتر مهدی معین‌زاده، جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسنی‌فر، جناب آقای دکتر حمید تنکابنی، جناب آقای مهندس فرامرز حق‌شناس، جناب آقای دکتر فرهاد زیویار، جناب آقای دکتر عباس خلجی، جناب آقای دکتر عبدالله قنبرلو، جناب آقای دکتر سیدمحمدرحیم ربانی‌زاده، جناب آقای دکتر سیدسجاد علم‌الهدی، جناب آقای دکتر سیدمحسن علوی‌پور، جناب آقای محمدعلی مینایی، جناب

سخن پژوهشگاه ۹

آقای بهرنگ ذوالفقاری و تمامی اعضای محترم شورای دبیرخانه و مشاوران و کارشناسان محترم طرح. همچنین باید از جناب آقای دکتر یدالله رفیعی مدیر محترم نشر و همه همکاران گرامی ایشان در انتشارات پژوهشگاه تشکر کنم. اگرچه بزرگان و مفاخر و اعضای معزز هیئت علمی فراوان دیگری در بخش‌های گوناگون و در مراحل مختلف مدرسان بودند که ذکر نام این شخصیت‌ها و محققان، که بیش از صد تن را شامل می‌شود، متأسفانه در این مجال اندک میسر نیست.

امید می‌رود به لطف خداوند این حرکت فرخنده پژوهشی و علمی بتواند ضمن تقویت اثربخشی علوم انسانی و پیوند پژوهش و اجرا در کشور، راهگشای بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های علوم انسانی به‌شمار آید و انتشار مجلدات بعدی گزارش‌های طرح اعتلا گامی در مسیر پیشرفت و بالندگی ایران اسلامی باشد.

حسینعلی قبادی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و

رئیس طرح اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور

علايم اختصاری

در متن کتاب برخی منابع پُرارجاع با علايم اختصاری به شرح زیر به کار رفته است:

SZ: Heidegger, Martin, *Sein und Zeit*, Max Niemeyer Verlag, Tübingen, 2001.

BT: Heidegger, Martin, *Being and Time*, trans. Macquarrie and Robinson, New York, Harper & Row, 1962.

GA 1: Heidegger, Martin: Gesamtausgabe 1, *Frühe Schriften* (1912–1916), ed. Friedrich-Wilhelm von Herrmann, Frankfurt, Vittorio Klostermann, 1976.

GA 18: Heidegger, M., Gesamtausgabe 18, *Grundbegriffe der aristotelischen Philosophie*, Vittorio Klostermann, 2002.

GA 19: Heidegger, M., Gesamtausgabe 19, *Platon: Sophistes*, Vittorio Klostermann, 1992.

GA 22: Heidegger, M., Gesamtausgabe 22, *Die Grundbegriffe der antiken Philosophie*, Vittorio Klostermann, 1993.

GA 60: Heidegger, M., Gesamtausgabe 60, *Phänomenologie des religiösen Lebens*, Vittorio Klostermann, 1997.

GA 62: Heidegger, M., Gesamtausgabe 62, *Phänomenologische Interpretation ausgewählter Abhandlungen des Aristoteles zu*

- Ontologie und Logik (Summer semester, 1922), ed. G. Neumann, Vittorio Klostermann, 2005.
- BCANP: Heidegger, M., Basic Concepts of Ancient Philosophy, tr. Rojcewicz, R., Indiana University Press, 2008.
- HCT: Heidegger, M., History of Concept of Time, tr. Kisiel, T., Indiana University Press, 1985.
- PS: Heidegger, M., Plato's Sophist, trs. Richard Rojcewicz and Andre Schuwer, Indiana University Press, 1997
- TM: Gadamer, Hans-Georg, Truth and Method, trans. Joel Weinsheimer and Donald G. Marshall, New York, Continuum, 1989.
- Met: Aristotle, Metaphysics, tr. Ross, S.D., Methuen, London and New York, 198Aristotle, Rhet: Aristotle, Rhetoric, tr. Ross, S.D., Oxford Classical Texts, 1959.

مقدمه

ارسطو در کتاب ششم/خلاق نیکوماخوس (Aristotle, 1139b)، با قراردادن فرونیسیس در کنار چهار فضیلت عقلانی دیگر - اپیستمه (معرفت علمی)^۱، سوفیا (حکمت نظری)^۲، نوس (عقل شهودی)^۳ و تخنه (هنر/صناعت)^۴ - به عنوان انحایی که ضمن آن‌ها پسوخه (مسامحتاً همان روح) به حقیقت نایل می‌شود، گامی بسیار مهم و بلکه تاریخ‌ساز در فاصله‌گرفتن از ایدئال افلاطونی معرفت، که همانا نظر بردوختن به عالم مثل بود، برداشت. او البته پیش‌تر در همین کتاب (Ibid: 1096a)، همانند بسیاری مواضع دیگر، بر نظریه «ایده» یا مثل افلاطونی تاخته و آن را مردود و باطل شمرده بود. فرونیسیس، که ما در فصل اول این نوشتار به تفصیل درباره تبار یونانی و سیر تطور و مفهوم آن برای ارسطو پرداخته‌ایم، از آن حیث حایز اهمیت بنیادین بود که معرفت عملی را - یعنی معرفتی را که اولاً و بالذات معطوف به عمل است - به‌جد مورد عنایت قرار می‌داد. اندراج فرونیسیس در کنار سایر انحای نیل به معرفت - هر چند سوفیا در مقامی والاتر از آن نشانده شود - نشانگر توجه ارسطو به معرفتی بود که به‌رغم فیزیک و متافیزیک، آن را اصالتاً نه معطوف به کشف حقیقت خنثی، بلکه رو به سوی خیر و سعادت، خاصه سعادت غایی (اودایمونیا)،

1. Episteme= Scientific Knowledge

2. Sophia= theoretical wisdom

3. Nous= Intuitive reason

4. Techné= Arts

می‌شمارد، هر چند فیزیک و متافیزیک ارسطو را نیز به نحوی می‌توان معطوف به ایده‌ی خیر یا کمال دانست.

ارسطو از بین این پنج فضیلت عقلانی سه فضیلت اپیستمه، سوفیا و نوس را ناظر بر اموری دانست که تغییر و تبدل در آن‌ها راه ندارد و البته دو فضیلت باقی را، یعنی تخته و فرونسیس، متعلق اموری که دستخوش تغییر و تبدل قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، فرونسیس نه ناظر بر ثبات که معطوف به سیلان و تحول بود. از سوی دیگر بنابر تصریح خود ارسطو، فرونسیس «فقط با کلیات سروکار ندارد، بلکه باید جزئیات را نیز به‌روشنی ببیند.» (Ibid: 1141b) و همچنین «فرد صاحب فرونسیس باید امور جزئی و فردی را بشناسد.» (Ibid: 1142a) شاید به دلیل همین تعلق ذاتی فرونسیس با وضعیت‌های سیال و البته محتاج عمل و تصمیم بوده باشد که ارسطو معرفت سیاسی و فرونسیس را یک حالت می‌داند که البته تعاریف مختلف دارند (Ibid: 1141b). او البته «تدبیر منزل» را نیز در کنار سیاست گونه‌ای فرونسیس می‌شمرد.

تأکیدی که بر تعلق فرونسیس به امور جزئی و منفرد از سوی ارسطو می‌رود البته به معنای گسیختگی آن با کلیات نیست. فرونسیس هر چند اولاً و بالذات با جزئیات دستخوش تغییر و تبدل سروکار دارد، بنابر تأکید خود فیلسوف که «فرونسیس فقط با کلیات سروکار ندارد» (Ibid: 1141b)، می‌توان گفت که بر امور کلی لایتغیر نیز نظر بردوخته است. گویی از منظر ارسطو، فرونسیس در واقع حکمتی است که ضمن آن وضعیت‌های جزئی‌ه کلیات را مورد جرح و تعدیل قرار می‌دهند و این خود البته مستلزم نصب‌العین قراردادن هماره کلیات نیز هست. چنان‌که می‌دانیم اخلاق از نظر ارسطو نه همچون افلاطون معرفت به مثال خیر و در واقع پاسخ به سؤال «خیر چیست؟» نیست، بلکه پاسخ به این سؤال است که «در موقعیت حالیه چه باید کرد.» در واقع به یمن رویکرد خاص ارسطو به

نسبت امر کلی و جزئی و نیز تلقی او از اخلاق است که در مفهومی همچون فرونیسیس نظر و عمل با هم تلائمی ذاتی پیدا می‌کنند.

اما آنچه سنت فلسفی - چه در فلسفه مدرسی غرب و چه در فلسفه اسلامی - از مفهوم فرونیسیس ارسطو اخذ کرد به نظر می‌رسد به یکباره تعلق این مفهوم به انکشاف حقیقت را به نسیان سپرده است. به عبارت دیگر، این نکته بسیار اساسی در سنت فلسفی نشئت گرفته از ارسطو مغفول ماند که او فرونیسیس را از انحایی دانسته است که ضمن و ذیل آن‌ها روح به حقیقت نایل می‌شود. در سنت فلسفی مفهوم فرونیسیس به عنوان مفهومی اخلاقی یا تحت عنوان حکمت عملی (در برابر حکمت نظری) برای تقسیم‌بندی علوم به کار گرفته شد و حیث هستی‌شناختی آن مطرح نگردید.

در واقع، با مارتین هایدگر و درس‌گفتارهای اولیه فرایبورگ بود که فرونیسیس ذیل تفسیر پدیدارشناسانه - هستی‌شناسانه او - جایگاه حقیقی خود را به دست آورد و به تعبیری که ما در این نوشتار به کار برده‌ایم، نیروی نهفته در آن آزاد گردید. تفسیر هایدگر از ارسطو البته تفسیری مألوف - از آن دست که متخصصان فلسفه ارسطو یا اسکولاستیک بدان دست می‌یازند - نبود بلکه تفسیری بود مبتنی بر Destruktion متن ارسطو. پس از هایدگر، گادامر، که در درس‌گفتارهای فرایبورگ و خاصه درس‌گفتارهای مربوط به تفسیر پدیدارشناسانه ارسطو حضور داشت، فرونیسیس را عملاً بنیادی برای علوم انسانی قرار داد. گادامر در کتاب مشهور خود، حقیقت و روش، به نحوی مستوفا به ماهیت علوم انسانی می‌پردازد. کتاب به‌رغم آنکه ضمن و ذیل طرح کلی هرمنوتیک فلسفی تنسیق یافته است، گنجانیدن مسئله علوم انسانی ذیل هرمنوتیک فلسفی - که جا به جا با اشاره به مفهوم فرونیسیس ارسطو قرین است - سبب گردیده تا بتوان از آن به منزله کتابی در زمینه فلسفه علوم انسانی نیز یاد کرد. به همین جهت ما این سه موقف اصلی - ارسطو، هایدگر و گادامر - را برای

مدل ساختن مدعیان در خصوص ذات فرونتیک علوم انسانی برگزیده ایم و کتاب حاضر از همین روست که سه فصل را مشتمل گردیده است. مفهوم فرونیسیس به دو اعتبار کلی می تواند در بحث علوم انسانی و البته تقریب آن به قلمرو کاربرد - که منظور نظر طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور است - مداخلت پیدا کند.

نخست بدان اعتبار که موضوع علوم انسانی انسان و اوصاف و احوال و کنش های اوست، آنچه در این علوم نافذ است نه تبیین^۱ که فهم^۲ پدیدارهاست و فیلسوفانی که در علوم انسانی تأمل داشته اند همچون دیلتای، ریکرت، وینلباند، گادامر، ریکور و... همگی در این نکته متفق القول اند. فهم، چنان که گادامر مدل ساخت، همواره رخدادی است متضمن یک تنش؛ تنش زمانی (بین گذشته و حال)، تنش مکانی (فهم احوال و اوصاف و آداب انسان های اقلیم های دیگر)، تنش جزء و کل (یا تنش انضمام و انتزاع) و... مولد مفهوم فرونیسیس دقیقاً آنجاست که تنشی در کار است و از همین رو فرونیسیس تضایف با فهم دارد؛ فهمی که البته بنیاد علوم انسانی است.

دوم آنکه فرونیسیس، چنان که حتی در ترجمه آمیخته به تسامح آن به حکمت عملی نیز برجسته است، ذاتاً متضمن وضعیت کنش است و از همین رو اگر به دنبال ایفای نقش عملی علوم انسانی در جامعه بوده باشیم، این علوم باید به مثابه فرونیسیس درک گردند.

ما در این نوشتار سه موقف اصلی در تطور مفهوم فرونیسیس را بررسی کرده ایم؛ ارسطو، هایدگر و گادامر. و البته تلاش داشته ایم که جا به جا نسبتی بین تلقی این فیلسوفان از فرونیسیس از یک سو و مسئله علوم انسانی از سوی دیگر برقرار کنیم.

1. explanation

2. understanding=Verstehen

فصل اول

مفهوم فرونیسیس نزد ارسطو

مقدمه

مفهوم فرونیسیس، پیش از آنکه ارسطو در *اخلاق نیکوماخوس* به شرح و بسط آن بپردازد، تاریخچه‌ای طولانی در زیست و تفکر یونان باستان داشته است. گوتیه^۱ در تحلیلی که از کتاب ارسطو ارائه می‌دهد با جزئیات به این تاریخچه پرداخته است. از آنجا که دل‌مشغولی به این جزئیات خارج از تکلیفی است که متن حاضر بر عهده خود می‌داند، علاقه‌مندان را به کتاب گوتیه ارجاع می‌دهیم.^۲ با این‌همه از نقل پاره‌ای نکات مهم آن چشم‌پوشی نمی‌توانیم کرد.

«فرونیسیس مفهومی بسیار موسع در اندیشه یونانی افاده می‌کرده است؛ Phronein هم به معنای احساس کردن بود و هم اندیشیدن و مآلاً Phronesis بر هر دو مفهوم احساس و تفکر تضمن داشت.» (Gauthier, 1970: 464) دموکریتوس و سقراط اما آن را به معنایی خاص‌تر، یعنی به مفهوم گونه‌ای معرفت یا دانایی عملی^۳، به کار بردند؛ به معنای قوه تمیز خیر از شر که همین معنا سرانجام در افلاطون خصلتی نظورزانه پیدا

1. Gauthier

2. Gauthier, R.A. and Jolif, J.Y., *L'Ethique a Nicomaque*, Introduction, Traduction et Commentaire, Louvian, Paris, Publication Universitaires de Louvian, 1970, pp. 463-479.

3. Practical wisdom

کرد. مقصود از این خصلت نظورزانه آن است که فرونیسیس برای افلاطون معرفتی استعلایی بود که در آشنایی و الفت با مثال خیر ریشه داشت. گویی در افلاطون مؤلفه احساس در مفهوم فرونیسیس مغفول نهاده شد و مؤلفه دیگر، یعنی تفکر، تمام بار معنایی را بر دوش کشید. می‌توان ادعا کرد که فرونیسیس برای افلاطون چیزی جز همان علم به کلیات، که تغییر و تبدلی در آن‌ها راه نیست، نبود. گوتیه رأی افلاطون درباره فرونیسیس را چونان هلالینی می‌داند که در تاریخچه این مفهوم گشوده و سپس فرو بسته شد، چرا که ارسطو، پس از افلاطون، همان مفهومی را که دیمقراطیس و سقراط پیش کشیدند اعاده کرد؛ «مفهوم فرونیسیس به مثابه معرفت یا دانایی یا حکمت عملی‌ای که اعمال را هدایت می‌کند و لذا هم‌عنان با معرفت به کلیات، معرفت به امور جزئی و وسایل و وسائط^۱ رسیدن به اهداف و غایات^۲ نیز هست.» (Ibid: 467-468)

آبنکو^۳ نسبت وثیق‌تری را که از منظر او بین فرونیسیس ارسطویی و «واقعیت یا وضعیت انضمامی» یا به عبارت دیگر «وضعیت جزئی امور» برقرار است بدین علت منتسب می‌دارد که ارسطو بیش از افلاطون به سنت تراژدی یونان تعلق خاطر داشته است:

تراژدی یونان مالا مال است از سؤال‌ها و مسائلی از این دست: انسان مجاز به دانستن چیست؟ در جهانی که بر آن بخت حکم فرماست از انسان انتظار چه عملی می‌رود؟ از آینده‌ای که بر او پوشیده است انسان انتظار چه باید بکشد؟ ما، در مقام انسان، چه باید بکنیم تا در محدوده انسانیت باقی بمانیم؟ آنچه سراینده‌گان این تراژدی‌ها در پاسخ به این

1. means

2. ends

3. Abenque

مفهوم فرونیسیس نزد ارسطو ۱۹

سؤال‌ها از اشاره به آن خسته نمی‌شدند یک کلمه بود: فرونین^۱. ارسطو شاید به دلیل تعلق بیشترش از افلاطون به این سنت تراژدی است که سؤال‌ها و مسائلی از این دست را جدی‌تر می‌گیرد (Abenque, 1963: 30)^۲.

مارتا نوسبائوم^۳ با اشاره به اینکه یکی از ویژگی‌های بنیادین مفهوم تراژدی در یونان فهم و اعلام تناهی^۴ وجود انسانی است به فقره فوق از آبنکو استناد می‌کند و قایل به پیوندی وثیق بین مفهوم فرونیسیس و تناهی انسان می‌گردد (Nussbaum, 2001: 121)^۵. پس فرونیسیس برای ارسطو گونه‌ای عقلانیت است که با تناهی ذاتی انسان تلائم دارد. در واقع فرونیسیس علاوه بر تناهی انسان، از محدودیت خود نیز آگاه است. اگر همچون گادامر قایل بدان باشیم که تراژدی بیان مهابت تقدیر در برابر تناهی و تقصیر ذاتی انسان است (Gadamer, 1975: 125)^۶، آن‌گاه باید به پیوند تراژدی و فرونیسیس - که بدان مفصل‌تر خواهیم پرداخت - صحنه نهیم. تراژدی در حقیقت به لحظات و لمحات^۷ گونه‌گون تناهی انسان نظر دارد؛ تناهی زمانی یا همان زمانمندی و تاریخمندی، محدودیت ذاتی معرفت بشری، عجز او از استعلاجستن از وضعیت تاریخی خود، تسلیم او در برابر تقدیر و... بدین ترتیب فرونیسیس معرفتی است که بیش از هرگونه معرفت دیگری به تناهی ذاتی انسان

1. Phronein

2. Abenque, P., *La Prudence chez Aristote*, Paris, PUF, 1963.

3. Martha Nussbaum

4. finitude

5. Nussbaum, C.M., *The Fragility of Goodness, Luck and Ethics in Greek Tragedy and Philosophy*, Cambridge University Press, 2001.

6. Gadamer, H.G., *Truth and Method*, Continuum, 1975.

7. moments

تعلق دارد. فرونسیس معرفتی است راست بر قامت میرایان. به همین اعتبار است که ضمن و ذیل آن وضعیت جزئی و حالیه - وضعیتی که متناسب‌تر است با تناهی - بیش از گزاره کلی ناظر بر عالم مثل اهمیت پیدا می‌کند. و البته به همین جهت است که ارسطو انتساب فضیلت به خدایان را فاقد معنا می‌شمرد، چرا که خدایان دچار تناهی نیستند (Aristotle: 1178b). فضیلت در سپهر اخلاق معنا پیدا می‌کند و ارسطو اخلاق را به مثابه فرونسیس می‌فهمد. پس همچنان‌که فرونسیس به دلیل تعلق ذاتی آن با تناهی برای خدایان ذاتاً نامتناهی قابل طرح نیست، از فضیلت نیز در مورد خدایان سخن نتوان گفت.

آنچه از فقره نقل شده از آبنکو در خصوص تراژدی یونان برمی‌آید این است که تراژدی با پراکسیس بشری سروکار دارد؛ یعنی با این مسئله که در زمینه و زمانه‌ای فراداده رو به سوی آینده‌ای منتظر و در جهانی که تحت فرمان بخت و تقدیر است انسان چگونه باید عمل کند یا به عبارت دیگر پراکسیس بشری چگونه می‌تواند باشد؟ چنان‌که در فصل مربوط به بررسی رویکرد هایدگر به مفهوم فرونسیس بدان خواهیم پرداخت، از نظر هایدگر وجود، که در فرونسیس آشکار می‌شود، پراکسیس است (Heidegger, 1997: 100).^۱ بر همین مبنا می‌توان گفت که اساساً پراکسیس نیز فقط برای موجود متناهی می‌تواند قابل طرح باشد. پراکسیس تنها از آن موجودی می‌تواند باشد که مبتلا به مرگ است و البته مرگ آگاهی دارد. خدایان بی‌مرگان‌اند و موجودات غیرانسانی بی‌مرگ آگاهی. قول هایدگر را مشعر بر اینکه موجودات غیرانسانی نمی‌میرند بلکه سقط می‌شوند (Heidegger, 2001: 247)^۲ باید به معنای

1. Heidegger, M., *Plato's Sophist*, tr. Rojeewicz, R. and Schuwer, A., Indiana University Press, 1997.

2. Heidegger, M., *Sein und Zeit*, Max Niemeyer Verlag, Tübingen, 2001.